

بررسی جایگاه عوامل کالبدی در تعاملات اجتماعی محلات مسکونی*

(مطالعه موردی: محله خراطان دزفول)

دکتر سید امیر سعید محمودی*، مهندس مجید منصورپور**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۳/۲۹

چکیده

امروزه محلات مسکونی به عنوان محیط‌های بی‌روح که ساکنین آنها تمایلی به ارتباط با یکدیگر ندارند مطرح می‌باشد. افزایش جمعیت، تنوعات اجتماعی و فرهنگی، و عدم پیروی از الگوهای محله‌های سنتی گذشته در طراحی، ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی در مورد تعاملات اجتماعی را تأیید می‌نماید. هدف پژوهش شناخت جایگاه عوامل کالبدی در کنار سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی است. منطقه مورد بررسی محله خراطان شهرستان دزفول می‌باشد روش پژوهش توصیفی-پیمایشی است و گردآوری داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه صورت گردید. یافته تحقیق حاکی از آن است که حس اعتماد و فعالیت‌های مشترک اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ایجاد تعاملات اجتماعی یک محله مطرح می‌باشند و همچنین نتایج بر نقش مهم و اساسی عوامل کالبدی در ایجاد محله تعامل محور تأکید می‌نماید و ساختار اجتماعی محله را متشکل از ۴ بعد آسایشی، هویتی، نظام‌های اجتماعی و کالبدی معرفی می‌نموده که این چهار بعد متأثر از همدیگر نیز است.

واژه‌های کلیدی

تعاملات اجتماعی، محله مسکونی، عوامل کالبدی، دزفول، فضای جمعی

* این مقاله برگرفته از مطالعات پایان‌نامه ارشد مجید منصورپور با عنوان «طراحی محله مسکونی با رویکرد تعاملات اجتماعی پایدار» است که با راهنمایی جناب آقای دکتر سید امیرسعید محمودی در دانشگاه تهران صورت گرفته‌است.
** دانشیار گروه آموزشی معماری، دانشکده پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.

Email: amahmoud@ut.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)
Email: mansourpour.ma@yahoo.com

۱-۱- مقدمه

دارد مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی محلات مسکونی را بررسی نماید. مهم‌ترین هدف این پژوهش بررسی جایگاه عوامل کالبدی و تأثیر آن بر تعامل ساکنین می‌باشد. فرضیه این پژوهش براساس اینکه عوامل کالبدی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در محلات مسکونی تعامل محور است؛ شکل گرفته است و با توجه به این مبحث، در طراحی معماری می‌توان ساکنین محلات مسکونی را به تعامل و گفت‌وگو ترغیب نمود. لذا مهم‌ترین سؤالات این پژوهش از این قرار است: (۱) چه مؤلفه‌هایی دارای بیشترین تأثیر بر الگوهای تعاملات اجتماعی ساکنان محلات مسکونی هست و مؤلفه‌های کالبدی تا چه میزان بر این موضوع تأثیرگذار است؟ (۲) معماری محلات مسکونی تعامل محور دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۱-۲- روش پژوهش

به دلیل اینکه مهم‌ترین هدف این پژوهش بررسی و توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص خواهد بود، از لحاظ هدف در شاخه تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. به دلیل اینکه این پژوهش به شناخت بیشتر شرایط موجود می‌پردازد، در زمره تحقیقات توصیفی می‌گنجد و چون این توصیف برای بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه آماری به کار می‌رود، روش پژوهش توصیفی-پیمایشی روشی است که این پژوهش با استفاده از آن انجام گرفته است. به علاوه، پس از شرح وضعیت موجود به بررسی یک رابطه میان تعاملات اجتماعی و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن مبادرت ورزیده شده است؛ بنابراین این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی است. با توجه به اینکه این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی به شمار می‌آید، برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق حجم جامعه، ابزار پرسش‌نامه مناسب‌ترین ابزار برای گردآوری داده‌های این پژوهش تشخیص داده شده است. دو پرسش‌نامه جهت بررسی متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق به کار رفته است: (۱) پرسش‌نامه تعاملات اجتماعی، (۲) پرسش‌نامه مؤلفه‌های تعامل اجتماعی. درجه‌بندی این پرسش‌نامه براساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای بوده و درجه‌های «کامل موافق»، «موافق»، «تا حدودی»، «مخالف» و «کاملاً مخالف» را شامل می‌شود. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، نظرات تعداد ۳۴۴ نفر از ساکنین محله مسکونی مورد پیمایش قرار گرفت. در مرحله بعدی داده‌های گردآوری شده با استفاده از ویرایش شانزدهم نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. و با استفاده از رگرسیون چندگانه نقش هر کدام از مؤلفه‌های بالا در پیش‌بینی تعاملات اجتماعی ساکنین محله مورد مطالعه تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از بررسی و ارزیابی پرسش‌نامه‌ها از طریق بسته نرم‌افزاری SPSS ضرایب زیر برای پرسش‌نامه‌های مختلف به دست

رابطه متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت است. هر فرصتی برای دست‌یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. علاقه مردم به مناطق مسکونی که در آن همسایگان تعامل اجتماعی زیادی دارند بیشتر است (لنگ، ۱۳۸۱). طی دهه‌های اخیر مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها، زمینه‌های تحولات و دگرگونی در ابعاد مختلف ساختار فضایی محلات شهری را فراهم آورده است. این امر از بُعد اجتماعی منجر به شکل‌گیری محلاتی با تنوعات گروهی، قومی و فرهنگی شده و در نهایت پایداری اجتماعات محلی یکپارچه را با مشکل مواجه ساخته است (مجیدی خامنه و کولیوند، ۱۳۹۱). محققان یکی از دلایل شکست پروژه پرت ایگو^۱ را که نماد افول معماری مدرن انگاشته شد، مسئله فوق ذکر کرده‌اند. در این مجموعه به دلایل محیطی، سایت پلان مجموعه فاقد فضاهای مناسبی برای توسعه شبکه‌های اجتماعی، روابط و تعاملات خودجوش افراد در طول خطوط مشترک موردعلاقه آنها بود. مکان‌های کمی در آنجا برای اینکه ساکنان بتوانند همدیگر را ملاقات کنند و روابط دوستانه را شکل دهند، وجود داشت و زندگی به صورت عمودی و سازمانی وجود داشت (Ittelson, 1974). «کیفیت زندگی» مفهوم مهمی است که می‌توان آن را در قالب یک اندیشه به‌عنوان یکی از موضوعات علمی نزد پژوهشگران مشاهده کرد. این اندیشه در پی انتقادات به جریانات قرن بیستم مطرح و تا قرن اخیر ۱۹۶۰ حوزه معماری و شهرسازی از دهه ادامه داشته که در هر دوره ماهیتی خاص پیدا کرده است (سامه و اکرمی، ۱۳۹۲).

به علت اهمیتی که اجتماع در زندگی ساکنان دارد، در سطح ملی و بین‌المللی تلاش‌های وسیعی در جهت توسعه آن به کار رفته است. این تلاش‌ها هنگامی بیشترین موفقیت و سودمندی را داشته‌اند که راه‌های یگانگی اجتماعی را به‌عنوان بخش لاینفکی از زندگی روزمره هر خانواده از مجموعه ساکنان مدنظر قرار داده‌اند. همچنین تلاش‌های فوق شواهدی به دست داده‌اند که اهمیت ثبات جمعیت و زمان را در انسجام اجتماعات نشان می‌دهند. درک این موضوع برای طرح‌های مسکن پیامدهای گوناگونی به همراه دارد. طرح‌های مسکن باید ایجاد شکاف در بافت اجتماعی جوامع را به حداقل برسانند (مخبر، ۱۳۶۳). افزایش تصاعدی جمعیت شهرها، شکل‌گیری کلان‌شهرهای چندمیلیونی، تنوعات اجتماعی و فرهنگی، بزرگ‌شدن مقیاس مدیریتی و اداری شهر، از خودبیینگی، کاهش تعلق خاطر ساکنان، جدایی‌گزینی اکولوژیکی، از بین رفتن یکپارچگی اجتماعی، توجه به شهر و ایجاد انسجام اجتماعی و شکل‌دادن به روند پایداری در مقیاس محلی را ضروری می‌سازد (مجیدی خامنه و کولیوند، ۱۳۹۱). این پژوهش سعی

جدول ۱. ضرایب آلفای کرون باخ^۲ به دست‌آمده برای پرسش‌نامه‌های به کار گرفته شده در پژوهش.

ضرایب آلفای کرون باخ به دست‌آمده	پرسش‌نامه‌های به کار گرفته شده در پژوهش
۰/۸۱۶	پرسش‌نامه تعاملات اجتماعی
۰/۸۵۶	مؤلفه‌های تعامل اجتماعی

آمد. این نتایج در جدول گزارش شده است (جدول ۱).

نتایج پژوهش‌ها: دسی^۴ در نتیجه‌گیری خود از بررسی ارتباط بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و تشکیل اجتماعات محلی بر این نکته تأکید دارد که وجود اعتماد در اجتماعات محلی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی و ستون فقرات اجتماعات محلی بوده و منجر به کارایی بیشتر اجتماعات محلی می‌شود (Dhesi, 2000). سوبلا^۵ در تحقیقی که در سال ۲۰۰۰ در کشور ایرلند شمالی با عنوان «بررسی توسعه گروه‌های اجتماعات قابل اعتماد: تأثیر فرم و ریشه گروه‌های اجتماعات محلی در حمایت‌های مردمی» انجام داده است؛ بر این نکته تأکید دارد که وجود اعتماد در اجتماعات محلی منجر به ریشه‌ای‌تر شدن گروه‌های محلی در اجتماعات محلی شده و از طرفی منجر به افزایش کارایی اجتماعات محلی می‌شود (Cebulla, 2000). نتایج پژوهش بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) تحت‌عنوان «شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی» نشان می‌دهد معیارهای عینی چون کیفیت عملکردی و فعالیت‌پذیری، نفوذپذیری و دسترسی، ارتباط مستقیمی با تعاملات اجتماعی دارند و به‌شدت بر تعاملات اجتماعی تأثیرگذارند، اما معیارهای ادراکی-ذهنی (ایمنی، امنیت و خوانایی) ارتباط ضعیفی با تعاملات اجتماعی دارند. همچنین مؤلفه‌های فردی تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیمی بر تعاملات اجتماعی دارند. در تحقیقی که توسط محمدعلی کشفی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین»، صورت گرفت ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها برای ایجاد وحدت فضایی و عرصه‌های مختلف نیمه‌خصوصی، نیمه عمومی و عمومی به‌عنوان بستر اصلی در تعاملات و روابط اجتماعی به‌شمار رفته است و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد زندگی در آپارتمان بین انسان و محیط طبیعی فاصله انداخته، و لذا ایجاد فضاهای باز و سبز با معماری و محوطه‌سازی زیبا، در فراهم آوردن بستری برای برقراری ارتباطات و تعاملات اجتماعی بسیار مفید است. دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶) عوامل دعوت‌کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخ‌گویی فعالیت را مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حیات جمعی فضاهای عمومی می‌دانند. سجادی قائم‌مقامی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی شاخصه‌های تأثیرگذار بر تعامل اجتماعی بیان می‌کنند: امنیت و تعاملات اجتماعی رابطه مستقیمی باهم دارند و رعایت حد شناسایی و وضوح و تعداد واحدهای مسکونی هر بلوک برای افزایش تعاملات اجتماعی و امنیت بیشتر ضروری است. چهار عامل آسایش درون خانه (کالبدی)، بازی‌پذیری فضاهای باز و چندمنظوره برای کودکان، هویت اجتماعی و نظم اجتماعی را به‌عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی مطرح می‌کند. بسیاری از صاحب‌نظران ازدحام را یکی از عوامل مزاحم در تعامل اجتماعی می‌دانند. همچنین نتایج تحقیق «حبیب و همکاران» بر ارزش‌ها و شاخصه‌های اجتماعی در طراحی فضاهای عمومی تأکید می‌نماید، که بر طبق نتایج این تحقیق، ارزش سرمایه اجتماعی در ساختار شهر را می‌توان در حوزه احساس امنیت شهروندی، اعتماد و روابط متقابل، مشارکت اجتماعی و اجتماع‌پذیری و میزان تمایل به تعاملات و معاشرت‌های اجتماعی دانست که در این میان فضاهای عمومی شهر دارای نقش اساسی در

بسترسازی برای مشارکت‌پذیری اجتماعی و افزایش روابط دوستانه و انسجام اجتماعی از طریق امکان‌دهی به اجرای مراسم، آیین‌ها و جشن‌ها و دیدارهای دوستانه به‌شمار می‌رود (حبیب و همکاران، ۱۳۸۸).

چارچوب مفهومی پژوهش

در این قسمت ابتدا مفهوم تعاملات اجتماعی توضیح داده می‌شود و سپس مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن از دیدگاه متخصصان و نظریه‌پردازان ارائه می‌شود و در نهایت دسته‌بندی از پارامترها ارائه می‌گردد.

مفهوم تعاملات اجتماعی و اجتماعات محلی: تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته‌شده‌است (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲، ۱۸). تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶). افراد مختلف به سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی تمایل دارند. بنا به رویکرد موسسه "PPS" فضاهای اجتماع‌پذیر، مکان‌هایی هستند که امکان تماس چهره‌به‌چهره بهره‌برداران، ملاقات دوستان و آشنایان و حضور فعالیت‌های گروهی را فراهم می‌آورند (رفعیان و حسین‌پور، ۱۳۹۱). همچنین اجتماعات محلی واحدهایی هستند که در آن برخی از مجموعه‌های ارتباطات همچون پیوندهای اجتماعی (خانوادگی، خویشاوندی، دوستی و همسایگی)، پیوندهای کارکردی (مانند ارتباطات در تولید، مصرف و جابه‌جایی کالاها و خدمات)، پیوندهای فرهنگی (مانند پیوند در مذهب، سنت یا هویت قومی) یا پیوندهای اقتصادی (مانند ارتباط در پایگاه اقتصادی یا سبک زندگی)، تمرکز می‌یابند (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ۸). همبستگی اجتماعی-فرهنگی می‌تواند سبب ایجاد عامل روانی تعلق به محله و پیروی افراد از آداب و رسوم واحد و نیز احساس تمایز هویت نسبت به ساکنان دیگر محلات باشد (پاکزاد، ۱۳۶۹). واضح است که وجود یک حس اجتماع می‌تواند یک منطقه شهری را از خیلی مشکلات مصون نگه دارد و یا حداقل از تأثیر مشکلات بکاهد. این دلیلی است بر اینکه یک اجتماع به مردم و ساکنین یک محل، احساس غرور و افتخار و احساس تعلق آنها به آن مکان را می‌دهد (Rudlin & Falk, 1999). توسعه پایدار اجتماع‌محور از ابعاد اصلی توسعه پایدار است، که توجه جدی به نیازهای مادی و معنوی و کرامت انسانی افراد مهم‌ترین ویژگی آن محسوب می‌شود. لذا مشارکت مردم محله، مدیریت مردم‌محور، تکوین و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و ترغیب آنها در جهت پایداری از اهداف اصلی آن می‌باشد (مجیدی خامنه و کولیوند، ۱۳۹۱). همچنین تعامل اجتماع‌محور در مجتمع‌های مسکونی را می‌توان به این صورت تعریف نمود: وضعیتی است که در آن، ساکنان از زندگی در خانه و مجتمع خود رضایت دارند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت می‌برند. مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می‌شود و بیشتر افراد نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می‌یابند و در نتیجه عمر مفید و ارزش مادی واحدهای مسکونی این نوع مجتمع‌ها در شرایط

همچنین لزوم توجه هماهنگ به فرم و ساختار شهر و عوامل انسانی می‌داند (Cullen, 1961, 57).

هال^{۱۱} عنصر فرهنگ را در فضاهای شهری مورد پژوهش قرار می‌دهد و بر نقش مبلمان در شکل‌گیری فضاهای مردم‌گرا تأکید می‌کند (Hall, 1990). هالپرین^{۱۲} فضای شهری موفق را محیط خلاق و دارای حق انتخاب می‌داند؛ محیطی با گوناگونی زیاد که به شهروندان اجازه انتخاب آزادانه بدهد (Halprin, 1963).

فرانسیس تیبالدز^{۱۳}، معمار و رئیس پیشین انجمن سلطنتی شهرسازان انگلیس در کتاب ارزشمند خود شهرسازی شهروندگرا ضمن پرداختن به مباحث گوناگون و با استفاده از اسکیس‌های بسیار هنرمندانه، ارتقاء عرصه‌های همگانی در شهرها و توجه به مقیاس انسانی در محیط‌های شهری را مورد تأکید قرار داده‌است. به باور تیبالدز، درس‌آموزی از گذشته، ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌ها، آزادی عابران پیاده، قابلیت دسترسی برای همگان، ایجاد وضوح و محیط‌های ماندگار، کنترل و ترکیب روش‌ها از دیگر اصول و معیارهایی هستند که با به‌کارگیری آنها می‌توان کیفیت قلمروهای عمومی شهرهای معاصر را افزایش داد (تیبالدز، ۱۳۸۳).

جیکوبز^{۱۴} مفاهیم جذابیت و سرزندگی فضاهای شهری را بیان می‌کند و تحقق آن را در گروهی ویژگی‌های خاصی می‌داند که از جمله آن ویژگی‌ها سریع‌الانتقال نبودن، وجود نقاط مکث و دعوت‌کننده برای شهروندان، وجود نقطه اوج و تمرکز در شهر و نیز وجود حدود و ثغور مشخص است (Jacobs, 1965).

یان گل^{۱۵} در تعریف فضاهای اجتماع‌پذیر شهری، بر دعوت‌کنندگی فضا بیش از سایر شاخصه‌های آن تأکید می‌کند و جذابیت یک شهر را با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گرد هم می‌آیند و وقت خودشان را در آنجا می‌گذرانند، مفهوم می‌بخشد؛ به‌زعم وی، فضای شهری دعوت‌کننده، فضایی است که قادر باشد تماس چهره‌به‌چهره را ایجاد نماید که قابلیت تجربه‌اندوزی شهروندان را به‌طور مستقیم از طریق حواس ایجاد نماید (Gehl, 1987). بنابراین با توجه به مطالبی که تاکنون ذکر گردید مبلمان شهری، جذابیت بصری، دعوت‌کنندگی و دسترسی در ایجاد محیط اجتماعی تأثیرگذار دانسته شده‌است (شکل ۱ و ۲).

لنگ در ارتباط با فضاهای مردم‌گرا، مفهوم مکان‌پذیر را مطرح می‌کند و آن را محیطی می‌خواند که بتواند تجربه انسان را بهبود

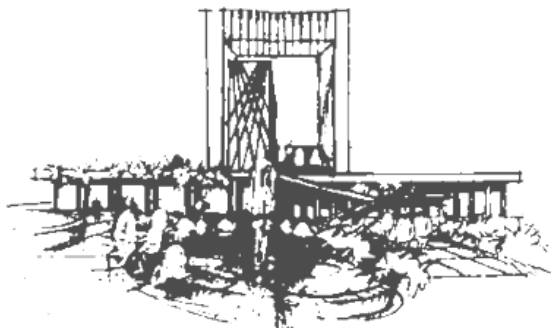
برابر بیشتر از سایر مجتمع‌ها است (سجادی قائم‌مقامی و همکاران، ۱۳۸۹). در مجموع تعاملات اجتماعی پایدار را به این صورت تعریف نمود: رضایت از ارتباط حسی و بصری بین دو یا چند نفر که موجب شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی بیشتری می‌شود.

فضاهای عمومی تعامل‌محور: حس خوشایندی که یک فرد از زندگی در محیط شهری دارد، به‌تبع با جانمایی صحیح کلیه عوامل و بویژه فضاها و عوامل کالبدی آن به وجود آمده و در قالبی از منظر شهری معنا می‌یابد (محمودی، ۱۳۸۵). فضاهای باز عمومی از اهمیت ویژه‌ای در حیات جمعی شهروندان برخوردارند که اغلب بیشترین امکانات به‌صورت بالفعل و بالقوه برای حضور شهروندان بوده و نیز محدودیت‌های زمانی، اندازه و کنترل ندارند (پاکزاد، ۱۳۸۴). شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد، پس آن دسته از نرم‌فضاها و سخت‌فضاها که بستر تعامل اجتماعی نیستند، فضاهای شهری نامیده نمی‌شوند (پاکزاد، ۱۳۸۹). در ادامه نمونه‌ای از عقاید صاحب‌نظران در مورد فضاهای جمعی و عمومی در بستر ارائه می‌گردد. لارس لروپ^{۱۶} خلق یک فضای عمومی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه‌های مختلف باشد را مستلزم تأمین عوامل زیر می‌داند: (۱) تأمین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خوانائی و قابل پیش‌بینی بودن فضا، (۲) وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخ‌گویی، راحتی و آسایش محیطی، (۳) میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی، (۴) تعاملات اجتماعی (Avila, 2001).

به نظر «جان لنگ»^{۱۷}، در فضاهای عمومی شهری، الگوهای تعامل اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای دارند و یکی از عوامل مؤثر بر جذب مردم به فضاهای جمعی را حس تعلق می‌دانست و دلبستگی مردم را به فضا را نشانه‌ای برای ایجاد تعاملات اجتماعی در قوی‌ترین حالت خود می‌دانست (مردمی و قمری، ۱۳۹۰).

اپلبارد^{۱۸} «هدف غایی طراحی شهری را خلق محیط‌های دلپذیر می‌داند؛ محیط‌های که روابط اجتماعی و رفتاری را تعریف کند و بیشترین تناسب را با آن محل داشته باشد و بتواند حس آسایش را بپرواند» (Lennard & Lennard, 1993, 4).

کالن به «حس اکتشاف» و «جذب و رازآمیزی» در شهر و فضاهای شهری ضمن یکپارچگی در کلیتی منسجم توجه می‌کند و هدف طراحی شهری را ارتقاء کیفیت‌های اجتماعی و زندگی اجتماعی شهروندان و



شکل ۲. ایجاد محیطی جذاب به‌عنوان بستری برای خلق تعاملات اجتماعی.



شکل ۱. مبلمان شهری و ایجاد فضای مناسب جهت تعاملات اجتماعی.

انسانی، ازدحام، امنیت و ایمنی، حس اعتماد و منزلت، تنوع و اختلاط کاربری، جذابیت و تسهیلات فضایی، آسایش اقلیمی و محیطی، ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک و حس آزادی است. (جدول ۲)

مطالعه موردی

در قسمت اول توضیحاتی پیرامون اطلاعات جمعیت‌شناختی محله خراطان و ویژگی‌های افراد پاسخگو ارائه می‌گردد و در قسمت دوم نیز اطلاعات توصیفی مرتبط با تعاملات اجتماعی محله خراطان ذکر شده‌است.

اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه موردی: اطلاعات جمعیت‌شناختی پژوهش حاضر، در واقع سؤالات بخش اول پرسش‌نامه را شامل می‌شود. از ۳۴۸ پرسش‌نامه توزیع شده، ۱۱۶ پرسش‌نامه توسط خانم‌ها و ۲۳۲ مورد توسط آقایان تکمیل گردید. حدود ۶۴٪ از جامعه آماری متأهل و ۳۵ درصد نیز مجرد می‌باشند. طبق پرسش‌نامه تکمیل شده بیشتر اهالی منطقه از سطوح اولیه تحصیلات برخوردارند، به طوری که حدود ۴۸٪ درصد از اهالی تحصیلات کمتر از دیپلم و ۲۵٪ از ساکنین دارای مدرک دیپلم می‌باشند. یکی دیگر از سؤالات جمعیت‌شناختی طرح شده، در مورد مدت سکونت در محله است که طبق آن مشخص گردید که حدود ۹٪ از ساکنین کمتر از یک سال، ۱۵٪ از اهالی بین ۱ الی ۳ سال، ۱۱.۵٪ بین ۳ الی ۵ سال، حدود ۱۰٪

بخشد، دارای مقیاس انسانی بوده، بستر رفتارها و فعالیت‌های متنوعی باشد و توانایی پذیرش رفتارهای دلخواه شهروندان را داشته باشد. لنگ تأکید می‌کند قرارگاه‌های رفتاری باید در ارتباط، پیوند و سلسله‌مراتبی منطقی باهم باشند تا بتوانند الگوهای رفتاری شهروندان را برآورده سازد (لنگ، ۱۳۸۱).

ازدحام به دلیل محدود ساختن استقلال و بیان فردی موجب فشار عصبی می‌شود و زمینه‌های برقراری ارتباط دلخواه را مشکل می‌کند. قرارگاه‌ها یا مکان‌های رفتاری نباید بیش از اندازه شلوغ باشند؛ به این معنا که تعداد افراد باید با الگوی جاری رفتار تناسب داشته باشند و مردم باید فضای شخصی کافی و کنترل قلمروپایی دلخواه را داشته باشند (لنگ، ۱۳۸۱). در ارتباط با مفهوم ازدحام مفاهیمی نظیر فضای شخصی نیز مطرح می‌گردند. تأمین فضای شخصی یکی از سازوکارهای اصلی دست یافتن به خلوت است.

لفور^{۱۵} مفهوم فضایی شدن اجتماعی را ارائه می‌دهد و آن را فضای حاوی خاطره جمعی، نماد دوره تاریخی معین و محل رویارویی جریان روابط عام و خاص اجتماعی تعریف می‌کند (Lefebvre, 1991). با بررسی مبانی نظری این موضوع که قسمتی از آن در بالا اشاره شد؛ می‌توان به ۱۲ مورد که نظریه‌پردازان به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی مطرح نمودند دست‌یافت که شامل: هویت و حس تعلق، ارتباط با گذشته، دسترسی و خوانایی، مقیاس

جدول ۲. مؤلفه‌های تعاملات اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان.

پارامتر	نظریه‌پردازان
۱	هویت و حس تعلق
۲	ارتباط با گذشته
۳	دسترسی و خوانایی
۴	مقیاس انسانی
۵	ازدحام
۶	امنیت و ایمنی
۷	حس اعتماد و منزلت
۸	تنوع و اختلاط کاربری
۹	جذابیت و تسهیلات فضایی
۱۰	آسایش اقلیمی و محیطی
۱۱	ارزش‌ها، هنجارها و فعالیت‌های مشترک
۱۲	حس آزادی

طبق نتایجی که از آزمون همبستگی پیرسون^{۱۷} به دست آمده است، ارتباط ۹ مؤلفه از ۱۲ مؤلفه تعاملات اجتماعی، طبق جامعه آماری یا بینانی بر اساس نمونه مورد مطالعه با ۹۵ درصد اطمینان در جهت مثبت معنادار است ($p < 0/01$). در محلات مسکونی دزفول، به ترتیب مؤلفه‌های حس اعتماد ($r = 0/08$)، ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک ($r = 0/553$)، هویت و حس تعلق ($r = 0/507$)، ارتباط با گذشته ($r = 0/496$)، جذابیت و تسهیلات فضایی ($r = 0/347$)، تنوع و اختلاط کاربری ($r = 0/315$)، حس آزادی ($r = 0/186$)، و ایمنی و امنیت ($r = 0/175$) بیشترین میزان همبستگی را با تعاملات اجتماعی در این محله دارند. به طور کلی، همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، ارتباط میان ۹ مؤلفه از ۱۲ مؤلفه مطرح شده توسط نظریه پردازان با تعاملات اجتماعی در سطح ۹۵٪ معنادار است. بدین معنی که شواهد کافی برای این که گفته شود تعاملات اجتماعی با مؤلفه‌های مطرح شده توسط نظریه پردازان ارتباط وجود دارد هرچند مؤلفه‌های ازدحام، دسترسی و همچنین آسایش اقلیمی در ارتباط معنادار با تعاملات اجتماعی ارزیابی نگردید. برای تبیین بیشتر ارتباط علی میان مؤلفه‌های مطرح شده توسط نظریه پردازان با تعاملات اجتماعی از همبستگی چندگانه استفاده شد. جدول ۴ این اطلاعات را ارائه داده است (جدول ۴). اطلاعات مرتبط با مدل همبستگی چندگانه میان مؤلفه‌های دوازده گانه تعامل اجتماعی و متغیر وابسته تعاملات اجتماعی در سه جدول خلاصه می‌شوند. جدول ۵ به ارائه اطلاعاتی در رابطه با خلاصه مدل مورد مطالعه می‌پردازد، که اطلاعاتی از قبیل ضریب همبستگی (R)، ضریب تعیین (RSquare)، ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R)

از ساکنین نیز بین ۵ الی ۹ سال است که در منطقه سکونت دارند. بیشترین درصد نیز متعلق به سکونت بیش از ۱۰ سال است که بر این اساس حدود ۵۳٪ از اهالی را شامل می‌گردد. اکثر ساکنین محله را دو قومیت دزفولی و لر تشکیل می‌دهد که حدود ۵۶ شامل نژاد دزفولی و حدود ۳۸٪ نیز اقوام لر می‌باشند که روی هم رفته حدود ۹۴٪ از جامعه آماری تحقیق را شامل می‌گردد.

اطلاعات توصیفی مرتبط با تعاملات اجتماعی محله خراطان: آمار توصیفی مؤلفه‌های تعاملات اجتماعی محله مورد مطالعه در جدول ۳ به تفکیک آورده شده است. این اطلاعات شامل حداقل نمره کسب شده (Min)، حداکثر نمره کسب شده (Max)، میانگین (M)، انحراف استاندارد (SD)، است. به علاوه، برای پی بردن به این که آیا نمونه مورد بررسی از جامعه‌ای با توزیع نرمال به دست آمده است یا نه، از آزمون کلموگروف-اسمیرونوف^{۱۵} استفاده شده است. در این آزمون اگر معیار تصمیم^{۱۶} کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد می‌شود. در جداولی که در ادامه آمده است، آمار آزمون کلموگروف-اسمیرونوف (ZK-S) و همچنین معیار تصمیم (Sig) نیز ارائه خواهند شد (جدول ۳).

بر اساس اطلاعات جدول فوق، مؤلفه حس تعلق بیشترین میانگین را دارد و مؤلفه‌های حس آزادی و ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک بیشترین میانگین را دارا می‌باشند و این در حالی است که آسایش اقلیمی کمترین میانگین را دارا می‌باشد. به ترتیب انحراف معیار مؤلفه‌های ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک ($SD: 3/18$)، امنیت و ایمنی ($SD: 3/10$) و حس تعلق ($SD: 3/00$) بیشترین مقدار می‌باشد و آسایش اقلیمی ($SD: 1/53$) کمترین مقدار را دارا می‌باشد.

جدول ۳. آمار توصیفی مرتبط با تعاملات اجتماعی محله خراطان.

SD	M	Max	Min	N	
۳.۱۰	۱۱.۱۶	۱۷	۴	۳۴۴	امنیت و ایمنی
۲.۶۴	۱۰.۱۳	۱۵	۲	۳۴۴	حس اعتماد
۳.۰۰	۱۴.۶۵	۲۰	۶	۳۴۸	حس تعلق
۱.۶۵	۷.۴۲	۱۰	۲	۳۳۶	ارتباط با گذشته
۳.۱۸	۱۲.۵۷	۲۰	۵	۳۳۶	حس مشارکت
۲.۶۷	۱۴.۳۰	۲۰	۸	۳۳۶	حس آزادی
۲.۴۹	۷.۹۵	۱۳	۳	۳۳۶	جذابیت و تسهیلات فضایی
۲.۴۹	۷.۴۵	۱۳	۲	۳۴۸	ازدحام
۱.۵۳	۴.۹۰	۹	۲	۳۴۴	آسایش اقلیمی
۲.۶۳	۷.۷۶	۱۴	۳	۳۴۴	تنوع و اختلاط کاربری
۱.۶۴	۵.۵۵	۹	۲	۳۴۴	مقیاس انسانی
۱.۹۰	۹.۶۹	۱۴	۶	۳۴۴	دسترسی و خوانایی
۱۸.۹۴	۱.۱۱	۱۴۹	۵۴	۳۴۸	مؤلفه‌های تعامل
۷.۰۴	۳۷.۸۰	۵۴	۱۸	۳۴۸	تعاملات اجتماعی

مؤلفه‌ها

محله خراطان

جدول ۴. بررسی ارتباط میان مؤلفه‌های کیفیت محله با تعاملات اجتماعی از طریق آزمون پیرسون.

Sig.(2-tailed)	Pearson correlation	
P	R	
۰/۰۰۱	۰/۱۷۵	ایمنی و امنیت
۰/۰۰۰	۰/۶۰۸	حس اعتماد
۰/۰۰۰	۰/۵۰۷	حس تعلق
۰/۰۰۰	۰/۴۹۶	ارتباط با گذشته
۰/۰۰۰	۰/۵۵۳	ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک
۰/۰۰۱	۰/۱۸۶	حس آزادی
۰/۰۰۰	۰/۳۴۷	جذابیت و تسهیلات فضایی
۰/۳۱۷	۰/۰۵۴	ازدحام
۰/۲۸۵	۰/۰۵۸	آسایش اقلیمی
۰/۰۰۰	۰/۳۱۵	تنوع و اختلاط کاربری
۰/۰۱۱	۰/۱۳۷	مقیاس انسانی
۰/۰۹۸	۰/۰۸۹	دسترسی و خوانایی
۰/۰۰۰	۰/۸۰۸	تعاملات اجتماعی محله

مؤلفه‌های ۱۳ گانه کیفیت‌های محله

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول ۵. خلاصه مدل.

Std. Error	Adjusted R Square	R Square	R	مدل	سازمان
4/21279	0.594	0.609	0.780 ^a	1	محله مسکونی خراطان دزفول

جدول ۶. جدول تحلیل واریانس.

Sig.	F	مدل
۰/۰۰۰	۴۰/۸۲۹	۱

محله مسکونی خراطان

فعالیت‌های مشترک، ۰/۳۲۰؛ جذابیت و تسهیلات فضایی، ۰/۱۸۱؛ ازدحام، ۰/۱۲۸-؛ آسایش اقلیمی، ۰/۱۱۹؛ مقیاس انسانی، ۰/۱۱۹- و دسترسی و خوانایی، ۰/۱۸۸-؛ و دو مؤلفه امنیت و ایمنی؛ ۰/۹۹-؛ و هویت و تعلق ۰/۱۱۴؛ در سطح ۹۵٪ معنا می‌باشند که این ۱۰ مؤلفه میزان تعاملات اجتماعی ساکنین محله را می‌توانند پیش‌بینی کنند. در نتیجه معادله پیش‌بینی تعاملات اجتماعی ساکنین محله از طریق مؤلفه‌های تعامل اجتماعی را می‌توان مطابق شکل ۳ خلاصه کرد. تعاملات اجتماعی محله مسکونی(خراطان دزفول) = ۱۵/۲۱۸ + ۰/۱۱۴ (حس اعتماد) + ۰/۲۰۹ (ارتباط با گذشته) + ۰/۳۲۰ (ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک) + ۰/۱۸۱ (جذابیت و تسهیلات فضایی) + ۰/۱۲۸ (ازدحام) + ۰/۱۱۹ (آسایش اقلیمی) + ۰/۱۱۹ (مقیاس انسانی) + ۰/۱۸۸ (دسترسی و خوانایی) + ۰/۰۹۹ (امنیت و ایمنی) + ۰/۱۱۴ (هویت و تعلق) .

(Square) و خطای استاندارد (Std. Error) را در مورد محله شامل می‌شود. در جدول ۶ اطلاعات تحلیل واریانس در رابطه با معنادر بودن یا نبودن این مدل ارتباطی ارائه می‌شود، اطلاعات مرتبط با همبستگی‌های چندگانه هر کدام از متغیرهای پیش‌بینی (مؤلفه‌های تعامل اجتماعی) در جدول ۷ خلاصه شده است؛ که شامل اطلاعاتی از قبیل ضریب همبستگی استاندارد نشده (B)، خطای استاندارد (Std. Error)، ضریب همبستگی استاندارد شده (Beta)، نمره تی (t) و سطح اطمینان (Sig.) است. جدول تحلیل واریانس نشان می‌دهد که مدل مورد نظر در محله با ۹۹٪ اطمینان معنادار است. به این معنی که مؤلفه‌های دوازده‌گانه تعامل اجتماعی قابلیت پیش‌بینی تعاملات اجتماعی را خواهند داشت. طبق جدول ۷، همبستگی چندگانه هشت مؤلفه از دوازده مؤلفه نظریه پردازان با تعاملات اجتماعی محله در سطح ۹۹٪ معنادار (P<۰.۰۱) هستند. از این رو، حس اعتماد، ۰/۱۱۴؛ ارتباط با گذشته، ۰/۲۰۹؛ ارزش‌ها و

جدول ۷. ضرایب رگرسیونی پیش‌بینی تعاملات اجتماعی محله از طریق مؤلفه‌های مطرح‌شده توسط نظریه پردازان.

sig.	t	Standardized Co.		Unstandardized Co.		مقدار ثابت
		Beta	Std.Error	B		
۰/۰۰۰	۷/۷۸۸	-	۱/۹۵۴	۲۱۸/۱۵		مؤلفه‌های کیفیت محله
۰/۲۰	-۲/۳۳۲	-۰/۰۹۹	۰/۰۹۰	-۰/۲۰۹		ایمنی و امنیت
۰/۰۰۰	۲/۲۲۱	-۰/۱۱۴	۰/۱۲۸	۰/۹۵۱		حس اعتماد
۰/۰۲۷	۲/۲۲۱	-۰/۱۱۴	۰/۱۲۸	۰/۲۸۴		حس تعلق
۰/۰۰۰	۴/۲۱۸	۰/۲۰۹	۰/۱۹۶	۰/۸۲۶		ارتباط با گذشته
۰/۰۰۰	۶/۹۸۵	-۰/۳۲۰	۰/۰۹۵	۰/۶۶۰		ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک
۰/۱۴۷	۱/۴۵۵	-۰/۰۶۰	۰/۱۰۱	۰/۱۴۷		حس آزادی
۰/۰۰۰	۳/۸۸۶	-۰/۱۸۱	۰/۱۲۶	۰/۴۸۹		جذابیت و تسهیلات فضایی
۰/۰۰۳	-۳/۰۳۵	-۰/۱۲۸	۰/۱۱۸	-۰/۳۵۷		ازدحام
۰/۰۰۴	۲/۸۹۲	-۰/۱۱۹	۰/۱۷۷	۰/۵۱۳		آسایش اقلیمی
۰/۸۶۱	-۰/۱۷۶	-۰/۰۰۸	۰/۱۰۹	-۰/۰۱۹		تنوع و اختلاط کاربری
۰/۰۰۶	-۲/۷۵۶	-۰/۱۱۹	۰/۱۷۲	-۰/۴۷۵		مقیاس انسانی
۰/۰۰۰	-۴/۳۶۵	-۰/۱۸۸	۰/۱۵۰	-۰/۶۴۵		دسترسی و خوانایی

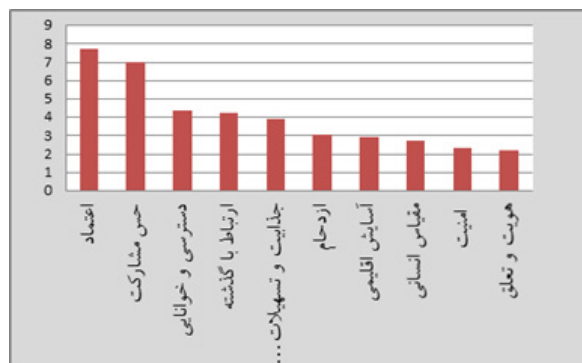
مؤلفه‌های کیفیت محله
متغیرهای قابل پیش‌بینی

و تسهیلات فضایی، آسایش اقلیمی، مقیاس انسانی، به همراه هویت و حس تعلق و همچنین امنیت به ترتیب دارای ضریب همبستگی بیشتری با تعاملات اجتماعی ساکنین بوده‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که محلاتی که کیفیت مناسب بالای در ارتباط با مؤلفه‌های بالا برخوردار باشند میزان تعامل اجتماعی ساکنین آن بالاتر است. با بررسی نتایج حاصله می‌توان گفت در مرحله نخست پارامترها و نظام‌های اجتماعی از جمله حس اعتماد و فعالیت‌ها و ارزش‌های مشترک بر تعاملات اجتماعی ساکنین تأثیرگذار است و در وهله دوم عوامل کالبدی و محیطی مطرح می‌باشد که از جمله آنها می‌توان به

با توجه به مطالب بالا می‌توان میزان همبستگی مؤلفه‌ها با تعاملات اجتماعی محله را به صورت زیر نشان داد (شکل ۳).

۱۱ تحلیل و بررسی

نتایج پژوهش نشان داد که ارتباط میان ۸ مؤلفه و میزان رضایت تعاملات اجتماعی محله مورد مطالعه با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. در محله مسکونی خراطان مؤلفه‌های حس اعتماد، ارزش‌ها و فعالیت‌های مشترک، دسترسی و خوانایی، ارتباط با گذشته، جذابیت



شکل ۳. ارزیابی میزان همبستگی مؤلفه‌های کیفیت محلی با تعاملات اجتماعی.

دسترسی و خوانایی، ارتباط با گذشته، جذابیت و تسهیلات فضایی، آسایش اقلیمی و همچنین مقیاس انسانی اشاره نمود. بنابراین نتایج این پژوهش با نتایج لنارد^{۱۸} همسو است. لازم به ذکر است به نوعی سایر مؤلفه‌هایی که در رده‌های پایین‌تر ارزیابی شده‌است، با مؤلفه‌های کالبدی در ارتباط می‌باشد که از نمونه‌های آن می‌توان به امنیت و حس تعلق اشاره نمود.

بر اساس نتایج حاصل شده، حس اعتماد بیشترین همبستگی را با تعاملات اجتماعی دارد. لذا بیشترین تأثیرگذاری را بر جمع‌های محلی دارد. اعتماد اجازه می‌دهد افراد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. امروزه اعتماد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی مطرح است. بنابراین این پژوهش نتایج تحقیق دسی (Dhesi, 2000) که وجود اعتماد را به‌عنوان ستون فقرات اجتماعات محلی دانسته بود و همچنین نتیجه پژوهش سبولا (Cebulla, 2000) که وجود اعتماد را سبب ریشه‌ای‌تر شدن اجتماعات محلی و افزایش کارایی آنها دانسته بود، تأیید می‌نماید. البته باید ذکر کرد وجود اعتماد در یک محله می‌تواند با سایر مؤلفه‌های ذکر شده مانند امنیت، هویت و حس تعلق در ارتباط باشد. محیط معماری تأثیر بسزایی بر تعاملات اجتماعی دارد. به‌عنوان مثال در بسیاری از شهرهای امروزی نبود سایه و فضاهای توقف مناسب سبب دوری مردم از فضاهای شهری و در نتیجه کاهش روابط متقابل گردیده است و یا در بیشتر ساعات شبانه‌روز به دلیل عدم توجه به مسائل اقلیمی در طراحی، فضاهای جمعی بدون استفاده و کارکرد می‌باشد. از دید ساختاری - کالبدی، فضا جمعی باید مکانی جذاب، قابل دسترس و در مقیاس انسانی باشد و همچنین تسهیلات لازم را جهت تجمع افراد مختلف در فضا ایجاد نماید. به‌عنوان مثال با ایجاد و تعریف پله در اطراف فضاهای حرکتی یا در کنار فضاهای اجتماعی می‌توان فضاهای بکری جهت توقف و برقراری ارتباط میان افراد ایجاد نمود. در ساختار شهرهای کهن میدان‌ها نمونه‌ای از چنین توجهی به فضای جمعی بوده که در عصر کنونی به دلیل ورود ماشین به عرصه زندگی، بسیاری از ارزش‌های گذشته این فضاها از دست‌رفته است. از نمونه این ساختارها می‌توان به واحدهای همسایگی یا به توفرتگی‌ها و بیرون‌زدگی‌های کوچک‌های بافت قدیم را می‌تواند اشاره نمود (شکل ۴).

از جمله مؤلفه‌های کالبدی می‌توان به دسترسی و خوانایی فضاهای جمعی اشاره کرد. دسترسی و خوانایی پس از اعتماد و فعالیت‌ها و ارزش‌های مشترک بیشترین همبستگی را با تعاملات اجتماعی در یک محله مسکونی دارد. پاکزاد حرکت در شهر بدون گم‌گشتگی راه، از خواسته‌های اولیه هر شهروند می‌داند. به اعتقاد او هر شهروند در هر لحظه می‌خواهد بداند کجاست و چگونه به مقصد خود خواهد رسید. در طول مسیر چه نقاط شاخصی وجود دارد و چگونه جهت‌یابی کند تا سردرگم نشود. جواب‌گویی به توقع خوانایی تبدیل مسیر به خطوط راست و مستقیم نیست؛ تجربه نشان داده است که شبکه‌های شطرنجی و یکنواخت کمترین خوانایی را دارند. اطمینان خاطر که شهروند از خوانایی شهر خود به دست می‌آورد، نه فقط تبعات روانی، بلکه حتی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶). امروزه در بافت شطرنجی شهرهای جدید به‌نوعی فضاها به‌مثابه شهرهای

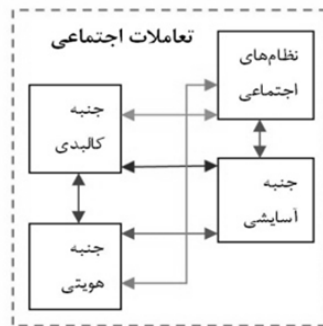
قدیمی خوانا نمی‌باشند. خوانایی و دسترسی با تصویرهای ذهنی افراد در ارتباط است. امروزه که بسیاری از اصول گذشته از جمله تنوع را کم‌رنگ‌تر شده‌است. بنابراین تصویرهای ذهنی ساکنین مانند گذشته دارای معنا نمی‌باشد. لذا تنوع ارزشی فضا نیز طبعاً کم‌رنگ‌تر گردیده است. ازدحام، مقیاس انسانی و امنیت سه مؤلفه دیگری هستند که تقریباً دارای همبستگی مشابهی با تعاملات اجتماعی هستند که می‌توان گفت دو عامل ازدحام و امنیت به‌طور محسوس‌تری در مقوله آسایش قرار می‌گیرد. ازدحام را می‌توان نوعی انباشتگی، شلوغی و ازدحام جسمیت در محلات و مناطق شهری دانست. امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های شهری، ازدحام و تراکم بالای جمعیتی است. مناطق دارای تراکم بالای جمعیتی دارای معضلات و مسائل اجتماعی عدیده‌ای هستند که لزوم توجه به فضاهای خلوت و آرام را در فضاهای شهری تأکید می‌نماید. در بسیاری از تحقیقات علوم اجتماعی تراکم بالای جمعیتی در یک منطقه یا محله بررسی شده است و نتایج نشان می‌دهد این مناطق دارای مشکلات اجتماعی عدیده‌ای هستند. اما وجود امنیت و ایمنی هم مانند ازدحام سبب آسایش ذهنی ساکنان می‌گردد. امنیت به معنای آزادی، آرامش و فقدان ترس است. برخی از کارشناسان احساس امنیت را در یک جامعه مهم‌تر از وجود امنیت در آن می‌دانند. بر اساس یافته‌های پژوهش امنیت در سطوح فرعی تأثیرگذار بر تعامل اجتماعی محسوب می‌شود لذا نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

هویت و حس تعلق یکی از اصولی است که در بسیاری از موارد در ارتباط با عوامل محیطی و کالبدی می‌باشد. هویت و احساس تعلق با هم دارای ارتباط نزدیکی می‌باشند و به‌نوعی این مؤلفه‌ها بیان می‌کنند مکان بخشی از وجود یک فرد تبدیل می‌گردد و فرد هویت و احساسات خود را در ارتباط نزدیکی با محیط سکونت خود درک می‌نماید. نکته مهمی که در اینجا وجود دارد، این است که فرد بر پایه این هویت مکانی، به هویتی اجتماعی می‌رسد، چرا که ظرف مکانی محیط مسکونی از همسایگی گرفته تا شهر، دارای منظروفی می‌باشد که همان اجتماع^{۱۹} است. از آنجایی که این شبکه‌های اجتماعی، به‌طور سنتی بر پایه مکان شکل گرفته‌اند، فرد در واقع دارای هویتی اجتماعی نیز می‌گردد. این شبکه‌ها، در مقیاس‌های کوچک‌تر دارای پیوندهای ملموسی هستند در حالی که در مقیاس‌های بزرگ‌تر، گسسته‌تر می‌شوند.

با توجه به مطالب ذکر شده، محیط‌های اجتماع‌محور دارای ۴ مقوله می‌باشند و با ایجاد این چهار مقوله، فضا دارای شکل و ساختار اجتماعی می‌گردد. این ۴ بُعد شامل هویت، آسایش، نظام‌های اجتماعی و همچنین ساختاری - کالبدی می‌باشد که هر کدام از ۴ بُعد به‌نوعی با هم در ارتباط می‌باشند. در بسیاری از شهرها و محلات امروزی تا حدود زیادی این چهار مقوله نادیده گرفته می‌شود. حتی در بعضی از موارد، علی‌رغم ایجاد فضاهای غنی که ساختار مناسبی جهت گردهمایی ایجاد می‌کند به دلیل عدم توجه به سایر مقوله‌ها این فضا از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشند. عوامل کالبدی با هر کدام از سه بعد آسایش، هویت و نظام‌های اجتماعی در ارتباط می‌باشد و به‌نوعی تأثیرگذار بر هر کدام از آنها می‌باشد (شکل ۵).



شکل ۴. کوچه‌های تورفته بافت قدیم.



شکل ۵. ابعاد تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی محلات مسکونی.

۱- نتیجه‌گیری

سه معیار ازدحام، حس امنیت و توجه به آسایش اقلیمی را می‌توان جزء دسته آسایش محسوب نمود که به‌طور محسوس تحت تأثیر عوامل کالبدی می‌باشد توجه به ایجاد فضاهای قابل دفاع، تفکیک و جداسازی مسیرهای سواره و پیاده، تأمین روشنایی فضاهای محله از جمله عواملی است که بر حس امنیت در یک محله تأثیرگذار می‌باشد. همچنین ایجاد فضاهای اقلیمی، ایجاد فضاهای باز و منظر مناسب و جلوگیری از ایجاد فضاهای شهری پرمخاطره از جمله نکاتی است که می‌توان با توجه به جنبه آسایش-کالبدی در طراحی محلات مسکونی لحاظ نمود. علاوه بر دسته آسایشی، نظام‌های جمعی یا اجتماعی و همچنین دسته هویتی در ارتباط با عوامل کالبدی می‌باشند به‌طوری‌که امروزه یکی از دغدغه‌های طراحی مسکن، توجه به هویت و ترقی ارزشی‌های هویتی از طریق معماری و عناصر کالبدی می‌باشد که از آن جمله می‌توان به مشخص کردن حریم‌ها و قلمروها، توجه به تصویرهای ذهنی ساکنین از محله، ایجاد تنوع و پرهیزکار از یکنواختی و همگونی در عرصه‌های مسکونی، تمایز فرمال و بصری بلوک‌های مسکونی و بسیاری از نکات دیگر اشاره نمود. بنابراین توصیه می‌شود معماران و طراحان شهری امروزه به ارتباطات کالبدی-هویتی، کالبدی-آسایشی و همچنین کالبدی-نظام اجتماعی جهت طراحی فضاهای اجتماع‌محور توجه ویژه‌ای نمایند (جدول ۸).

تعامل اجتماعی از جمله مسائلی است که در حال حاضر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در طراحی محلات مسکونی به‌شمار می‌رود. می‌توان در محله تعامل‌محور، بسیاری از کیفیت‌ها و ارزش‌های محله‌ای را یافت. بر اساس نتایج ۱۰ مؤلفه را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر کیفیت تعاملات محله‌ای نام برد که این مؤلفه‌ها نیز در ارتباط با همدیگر و تأثیرپذیر از هم می‌باشند. در یک محله اجتماعی در وهله اول اعتماد و همچنین فعالیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی وجود خواهد داشت که این دو از مهم‌ترین شاخه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. بنابراین پارامترهای نظام‌های اجتماعی را می‌توان دارای بیشترین تأثیرگذاری بر تعاملات اجتماعی دانست. پس از دو مؤلفه ذکرشده، به ترتیب پارامترهای دسترسی و خوانایی، ارتباط با گذشته، جذابیت و تسهیلات فضایی، ازدحام، آسایش اقلیمی، مقیاس انسانی، امنیت و ایمنی، هویت و حس تعلق به‌عنوان شاخص‌ترین مؤلفه‌ها مطرح می‌باشد. این ۱۰ مؤلفه را می‌توان در چهار دسته کلی نظام‌های اجتماعی، هویتی، آسایشی و همچنین ساختاری-کالبدی دسته‌بندی نمود. از آنجایی‌که این مؤلفه‌ها دارای ارتباط معناداری باهم می‌باشند، می‌توان با توجه به عوامل معماری و کالبدی، ارزش کیفیتی هر کدام از دسته‌ها و در نتیجه تعاملات اجتماعی محلی را ترقی داد.

جدول ۸. ارتباط عوامل کالبدی با مؤلفه‌های آسایشی، هویتی و نظام‌های اجتماعی جهت ارتقا تعاملات اجتماعی محله.

نظام‌های جمعی	هویت	آسایشی	عوامل کالبدی
<ul style="list-style-type: none"> توجه به فضاهای همخوان با هنجارها و ارزش‌های مشترک مانند تاسوعا و عاشورا شناخت فعالیت‌های مختلف رده‌های سنی و توجه به آن در طراحی (به‌عنوان مثال زمین‌بازی برای کودکان) توجه به عوامل کالبدی مؤثر بر امنیت جهت بالا رفتن اعتماد عمومی دقت در طراحی فضاهای سالم و قابل کنترل جهت بالا بردن اعتماد عمومی 	<ul style="list-style-type: none"> مشخص کردن حریم‌ها و قلمروها توجه به تصویرهای ذهنی ساکنین از محله توجه به تنوع و پرهیز از یکنواختی و همگونی در عرصه‌های مسکونی تمایز فرمال و بصری بین بلوک‌های مسکونی توجه به عناصر شاخص مانند ورودی‌ها داشتن تمایز محدوده واحدها در نمای کلی توجه به مقیاس انسانی استقبال از مشارکت مردم در ساخت بهره‌گیری از الگوهای گذشته 	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد فضاهای قابل دفاع توجه به روشنایی فضاهای مختلف محله ایجاد فضاهای باز در نزدیک واحدهای مسکونی جهت بازی کودکان و امکان نظارت بر آنها ایجاد فضاهای اقلیمی تفکیک پیاده از سواره کنترل و تسلط بر اتومبیل توجه به زون‌های مختلف جهت جلوگیری از ازدحام در یک زون ایجاد فضاهای سبز در بین واحدهایی مسکونی جهت تلطیف هوا توجه به عناصر منظر مانند آب جهت ایجاد فضاهای آرام شهری 	

فهرست مراجع

۱. براند فری، هیلدر. (۱۳۸۳). طراحی شهری به‌سوی یک‌شکل پایدارتر شهر. (حسن بحرینی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲. بهزادفر، مصطفی؛ و طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی (تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه: سندانج). باغ نظر، ۲۸-۲۵، ۱۷.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۴). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۹). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی. (جلد اول تا سوم). تهران: آرمانشهر.
۵. تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۳). شهرسازی شهروندگرا؛ ارتقاء عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری. (محمد احمدی‌نژاد، مترجم). اصفهان: خاک.
۶. حبیب، فرح؛ نادری، مجید؛ جهان‌شاه‌لو، لعل؛ و فروزان‌گهر، حمیده. (۱۳۸۸). سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تأکید بر نقش فضاهای عمومی. هویت شهر، ۱۲، ۱۴-۵.
۷. حسن‌زاده، داوود. (۱۳۸۷). رویکرد اجتماع‌محور به کیفیت زندگی اجتماعات محلی. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۰، ۲۲-۷.
۸. دانشپور، سید عبدالهادی؛ و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. مجله باغ نظر، ۴، ۲۸-۱۹.
۹. رفیعیان، مجتبی؛ و حسین‌پور، علی. (۱۳۹۱). نظریه، شهر، فضا، مدیریت شهری. تهران: طحان.

پی‌نوشت‌ها

1. Pruitt igoe
2. SPSS
3. Cronbach
4. Dhesi
5. Cebulla
۶. تعریف سطح مطلوب تعامل، به‌طور ذهنی از گفته‌های مردم و به‌طور عینی از موضع‌گیری هنجاری نسبت به زندگی خوب به دست می‌آید. هر دو از تعریفی دارای ارزش بالا برخوردارند و دارای جهت‌گیری اجتماعی و سیاسی هستند (لنگ، ۱۳۸۱).
7. Lars Lerup
8. John Lang
9. Epiliard
10. Hall
11. Halprin
12. francis tibbalds
13. Jacobs
14. Gehl
15. Kolmogorov-Smirnov
16. P-Value
17. Pearson
۱۸. لنارد بیان می‌کند آن‌چه فضاهای عمومی را به لحاظ اجتماعی فعال می‌سازد، در درجه اول عوامل کالبدی است که بتواند زمینه‌ساز ورود و سپس توقف افراد در درون فضا باشد اما آنچه بیش از ابعاد کالبدی در حضور و تعامل اجتماعی افراد مؤثر است، پیش‌بینی و خلق رویکردهای اجتماعی است که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقا حس تعلق به مکان نیز باشد (Lennard & Lennard, 1984).
19. Community

London: Architectural Press.

22. Cebulla, A. (2000). Trusting community developers: the influence of the form and origin of community groups on residents' support in Northern Ireland. *Community Development Journal*, 35(2).
23. Dhesi, A. S. (2000). Social capital and community development. *Community Development Journal*, 35(3). 199-214
24. Gehl, J. (2004). *Public spaces, public life*. Copenhagen: Danish architectural press.
25. Gehl, J. (1987). *Life between Buildings*. Translated by Koch, J. New York: Van Nostrand Reinhold.
26. Hall, E. T. (1990). *The Hidden Dimension*. New York: Anchor Books Editions.
27. Halprin, L. (1963). *Cities*. Massachusetts: the MIT Press.
28. Ittelson, W. H. (1974). *An Introduction to Environmental Psychology*. NY: Hold. Reinhart and Winston Inc Coleman,
29. Jacobs, J. (1965). *The Death and Life of Great American Cities*. Harmondsworth : Penguin
30. Lennard, S. G., & Lennard, H. (1984). *Public life in urban place: Godlier*. Southampton.
31. Lennard, S. G., & Lennard, H. (1993). *Urban Space Design and Social Life*. London :companion to contemporary architectural, Rutledge.
32. Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. London: Blackwell, Oxford.
33. Rudlin, D., & Falk, N. (Eds.). (1999). *Building the 21st century home: the sustainable urban neighbourhood*. Butterworth-Heinemann.

۱۰. سامه، رضا؛ و اکرمی، غلامرضا. (۱۳۹۲). تحلیل تحولات اندیشه «کیفیت زندگی» در معماری و شهرسازی. هویت شهر، ۲۵، ۲۷-۴۰.
۱۱. شارعپور، محمود. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهری. تهران: سمت.
۱۲. سجادی قائم‌مقامی، پروین السادات؛ پوردیهیمی، شهرام؛ و ضرغامی، اسماعیل. (۱۳۸۹). اصول پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی: از دید جامعه صاحب‌نظران و متخصصان ایرانی. صفحه، ۵۱، ۷۵ - ۸۸.
۱۳. کشفی، محمد علی؛ حسینی، سید باقر؛ و نوروزیان ملکی، سعید. (۱۳۹۰). نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ پژوهش موردی: برج بین‌المللی تهران. دو فصلنامه مدیریت شهری، ۳۰، ۱۷-۷.
۱۴. لنگ، جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). (علیرضا عینی‌فر، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. مردمی، کریم؛ و قمری، حسام. (۱۳۹۰). الزامات معماری تأثیرگذار در اجتماع‌پذیری فضای ایستگاه‌های مترو. مدیریت شهری، ۲۷، ۳۱-۴۰.
۱۶. ممدودی، امیرسعید. (۱۳۸۵). منظر شهری: مروری بر چند نظریه. فصلنامه آبادی، ۵۳، ۶۱-۵۴.
۱۷. مخبر، عباس. (۱۳۶۳). ابعاد اجتماعی مسکن: هدف‌ها، معیارها و شاخص‌های اجتماعی و مشارکت مردمی. سازمان برنامه‌و بودجه.
۱۸. مجیدی خامنه، بتول؛ و کولیوند، حجت‌اله. (۱۳۹۱). تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه پایدار اجتماع‌محور (مطالعه موردی محله دارآباد تهران). آمایش محیط، ۱۹، ۷۳-۴۹.
19. Avila, M. I. M. (2001). *Montero, Monca- Factors That Influence The Social Life And Vitality Of Public Open Space In Marcaibo. Case Study: Plaza de la Madre and Plaza de la República*. Venezuela. ETD Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and Sate University.
20. Car, S., Francis, M., Rivilin, L., & Stone, A. (1992). *Public Space Massachusett: Cambridge University press*.
21. Cullen, G. (1961). *The concise Townscape*.

Position Study of Skeletal Factors in Social Interactions of Residential Neighborhoods

Amir Saeid Mahmoodi, Ph.D., Associate Professor, College of Fine Arts, Tehran University, Tehran. Iran.

Majid Mansourpour *, M.A in Architecture, College of Fine Arts, Tehran University, Tehran. Iran.

Abstract

Social interaction is one of the issues considered as the most important distresses in planning the residential neighborhoods, and many of the qualities and values of a neighborhood can be found in the interaction centered neighborhoods. Population increase, social and cultural diversities and non-pursuing of past traditional models of neighborhoods in planning and designing approves such types of researches on social interactions. Therefore, the objective of this research is to identify the position of constitutional factors along with all other effective components on the social interaction. The hypothesis of this research has been established on the base that constitutional factors are one of the most important effective components in interaction centered residential neighborhoods. Considering this discussion, the inhabitants of residential neighborhoods can be encouraged for interaction and discussion in the architectural planning/designing. Therefore, the most important questions of this research are as follows: 1) Which components have the most effect on the models of social interactions of residential neighborhoods' inhabitants and to what extent are the skeletal components effective on this theme? 2) Which types of attributes do the architecture of interaction-centered residential neighborhoods have? And whether by developing changes in the constitution, steps could be forwarded in the direction of facilitating the emergence of these social relations? The study case zone is the Kharratan neighborhood of Dezful town. Questionnaire tool was selected to collect the data. Two questionnaires have been employed to investigate the under study variables in this research: 1-social interaction questionnaire 2- 12 folded questionnaire for neighborhood quality. The rating of this questionnaire was of 5 degree Likert scale and the viewpoints of 344 people were assessed from the residents of residential neighborhoods to collect the research data. The collected data were analyzed using the 16th version of SPSS software in the next stage. The research findings indicates that in Kharratan neighborhood, the components of trust feeling, values and joint activities, access and readability/legibility, relation to the past, attraction and spatial facilities, climatic comfort, human scale along with the identification and belonging feeling in addition to security had more correlation coefficient with the social interactions of the residents. The trust feelings as well as the joint social activities are discussed in developing the social interactions of a neighborhood. These 10 components can be classified in four general groups of social, identification, comfort, and structural-constitutional. As these components have significant relation with each other, the qualitative value of each group and as a result, the local social interactions can be promoted considering the architectural and constitutional factors. In addition, the results of research emphasize on the important and basic role of constitutional factors in developing the interaction-centered neighborhood and introduce the social structure of neighborhood comprised of 4 dimensions of comfort, identification, social systems, and constitution. These four dimensions together are influenced by each other. It is suggested, therefore, that the urban planners/designers and architectures of today should pay special attention to identification-constitutional and comfort-constitutional communications in addition to constitutional-social system to plan society centered spaces.

Keywords: Social interaction, Residential neighborhood, Constitutional factors, Dezful, Collective space

* Corresponding Author: Email: mansourpour.ma@yahoo.com